

# ۱۳۸۴ سال نو مبارک



این گزارش توأم با ترسی که اگر مصدق ساقط نشود، توده‌بی‌ها به قدرت می‌رسند و ایران را به بلوک شوروی خواهند کشانید، موجب شد که ایزنهاور با کودتای ۲۸ مرداد موافقت کند. انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به حقیقت پاسخی به این کودتای امریکایی بود. اکنون از آن انقلاب که معادله‌های سیاسی و راهبردی را در سطح ملی و بین‌المللی بر هم زد، بیست و شش سال و سه ماه گذشته است. در یک برهه‌ی بیست‌ساله، یک کودک شیرخواره تبدیل به یک مرد یا زن عاقل بالغ می‌شود که می‌تواند نیک و بد خود را تشخیص بدهد، قرارداد امضا کند، استخدام شود، ازدواج کند و تشکیل خانواده بدهد. آیا ایرانیان نزدیک یکصد سال پس از انقلاب مشروطیت و پنجاه و چند سال پس از نهضت ملی کردن صنعت نفت و بیست و شش سال پس از انقلاب ۱۳۵۷، به بلوغ فکری و رشد سیاسی کافی نرسیده‌اند؟ در طی بیست سال، یک طفل مکتبی می‌تواند یک استاد برجسته‌ی متخصص شود. آیا مردم ایران پس از این همه سال، هنوز هم، رشید نشده‌اند و آماده‌ی مردم‌سالاری نیستند؟

تئوری ناسازگاری فرهنگ ایرانی با مردم‌سالاری، اگر نه یک توطئه یک توهم است. حقوق بشر در تاریخ ایران و فرهنگ ایرانی و نیز در فلسفه و عرفان اسلامی / ایرانی ریشه‌دارتر از بسیاری دموکراسی‌های صنعتی از جمله ژاپن است. ایران در قاره‌ی آسیا اولین کشوری بود که صاحب قانون اساسی شد.

بعضی مدعی‌اند که اسلام با دموکراسی سازگار نیست. اینان بدین‌سان، نادانسته به نام دشمنی با اسلام به جنگ با هویت ملی و نمادهای آیینی اکثریت شهروندان ایرانی می‌روند و عامل عمده‌ی توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران را دین‌ورزی (نه استبداد) می‌شمارند. ما این دروغ بزرگ را نیز نمی‌پذیریم و می‌گوییم که نه دین‌داری مستلزم نقض حقوق بشر است و نه دین‌ستیزی مترادف احقاق حقوق بشر. در زمانی هم که حکومت پهلوی با مظاهر سنتی و آیینی جامعه، دشمنی می‌ورزید، جمهوری‌خواهی جرم بود و حقوق بشر تخطئه می‌شد. هیچ دینی با حقوق بشر و حقوق مردم مخالفتی ندارد. ما فرهنگ کهن ایرانی را مؤید مردم‌سالاری و عدالت‌ورزی می‌شناسیم و دین آباء و اجدادی خودمان را دین استبداد و زورگویی و نقض حقوق بشر معرفی نمی‌کنیم. ما دشمنی با حقوق بشر را به هر اسمی، دشمنی با بشریت و انسانیت می‌دانیم. ما حقوق بشر، عدالت اجتماعی، آزادی و مردم‌سالاری را صمیمانه برای خود و برای همگان مطالبه می‌کنیم.

به امید آن که در سال ۱۳۸۴ همه‌ی ما ایرانیان و جهانیان حقوق خود را استیفا کنیم. نوروزتان خجسته و همه روزتان پیروز باد.

■ حسن امین

□ سال نو بر شما خواننده‌ی فرهنگور و هر شهروند ایرانی باشرفی که برای زخمی کردن هم‌وعان و هم‌وطنان خود دشنه‌یی در آستین ندارد و حقوق دیگران را پاس می‌دارد، مبارک باد. آمدن عید خجسته‌ی ملی را برادروار در کنار هم بر سیاره‌ی مقدس زمین و بر خاک پاک اهورایی ایران به جشن می‌نشینیم و بر سر سفره‌ی هفت‌سین سنتی برای ایفای وظایف ملی و اجتماعی از زبان حافظ به شما و تک‌تک هم‌وطنان خود می‌گوییم:

[هم‌وطن!] آمدن عید مبارک بادت

وان مواعید که کردی! مرواد از یادت

«مواعید» من و شما تعهد به تلاش مستمر برای ایجاد ایرانی آزاد و آباد و تقویت هویت ملی، روحیه‌ی روشنفکری و عقلانیت جوهری Substantial Rationality در جامعه‌ی ایرانی‌ست. امیدواریم سال ۱۳۸۴، سال آزادی ایرانیان از طلسم استبداد داخلی و رهایی همه‌ی ملت‌های تحت ستم از فشارها و زورگویی‌های دولت‌های زورمند و زرمند در سطح بین‌المللی باشد.

جمعی اشخاص نادان یا مغرض می‌گویند که طبیعت دموکراسی مناسب کشورهای توسعه‌یافته‌ی غرب است و بس، یعنی که اساساً بعضی فرهنگ‌ها (از جمله فرهنگ ایران) و بعضی ادیان (از جمله دین اسلام) با مردم‌سالاری و حقوق بشر ناسازگارند. اگر این پندار ناروا و نامبارک، در حافظه‌ی جمعی ملتی رخنه کند، پی‌آمد خطرناک آن این است که اهالی اقلیم ما باید الی‌الابد، زیر چکمه‌ی حکومت‌های استبدادی پایمال شوند. این قول، مساوق همان تئوری رویارویی تمدن‌های ساموئل هانتینگتون است و ما آن را اهانتی به بشریت می‌دانیم که کسی برای نژادی یا ملیتی یا پیروان دیانتی در برخورداری از موهبت آزادی و مردم‌سالاری تبعیض قائل شود.

عده‌یی دیگر می‌گویند که امید نجاتی هست، اما ملت ایران هنوز آماده‌ی آزادی و مردم‌سالاری نیستند. در صد ساله‌ی اخیر از مشروطیت تا امروز، این سخنان از سوی ایرانیان و انیرانیان بسیار بر زبان رفته است. تقی‌زاده می‌گفت ایرانی باید از موی سر تا ناخن پا اروپایی شود، چرا که ایرانی «دیجنره» شده و باید به تمام و کمال در ظاهر و معنی اروپایی شود. وثوق‌الدوله هم گفته بود که من قرارداد ۱۹۱۹ را برای تحت‌الحمایه‌شدن ایران از آن بستم که دیگر از خود ایرانیان قطع امید کرده بودم، خواستم این مملکت را به دم انگلیس ببندم تا مثل هندی‌ها آداب اداری و عقلانیت کاربردی بیاموزند. لوی هندرسون Loy Henderson سفیر امریکا در ایران، در زمان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نیز ایرانیان را لایق دموکراسی نمی‌دانست و طی گزارشی به ایزنهاور که تازه به ریاست‌جمهوری امریکا رسیده بود، نوشت که: «همکاران نزدیک مصدق، اغلب تحصیل‌کرده‌ی اروپایند و تشخیص نمی‌دهند که ایران، آماده‌ی دموکراسی نیست!»